



آذر ماجدی

رئیس سازمان آزادی زن
و عضو دفتر سیاسی حزب
کمونیسست کارگری ایران

جانبدار و جهت دار کرده است.
این انتخاب را باید اولاً در رابطه
با جمهوری اسلامی و رابطه
اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی

صفحه ۲

**نشست چهاردهم
کمیته کردستان
حزب کمونیست
کارگری ایران
برگزار شد**
صفحه ۴

مربوطه‌اش بسیار صدق میکند.
"سازمان زحمتکشان" و "دبیر کل"
آن که از قافله ناسیونالیسم کرد
عقب مانده‌اند، بدجوری میخواهند
آن را جبران کنند. بخش عمده
جست و خیز شبانه‌روزی این جماعت،
جبران مافات گذشته و حرکت کور
در جهت بازپرداخت بدهکاری به
ناسیونالیسم کرد است. اینها به
عنوان راست‌ترین و افراطی‌ترین
دارودسته ناسیونالیسم کرد میخواهند
ظاهر شوند، تا بلکه ناسیونالیسم
شناخته شده و سنتی کرد، در
صوف جنبش خود مکانی برایشان
قائل شود. به قول معروف "کاسه
داغتر شدن از آش" اینها در طرح

صفحه ۴

مصاحبه ایسکرا با آذر ماجدی در باره جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی

با دموکراسی و حقوق بشر، بویژه
دفاع از حقوق زنان و کودکان به
او اهدا شده است. ولی کمی
پائین تر اعلام میشود که «شیرین
عبادی یک مسلمان آگاه است
که تعارضی میان حقوق پایه ای
بشر و اسلام نمی بیند.» و در
ادامه تاکید میشود که این جایزه
به او بعنوان زنی از «جهان اسلام»
تعلق گرفته است. بنظر من باید
دلیل انتخاب خانم عبادی را در
همین عبارت «مسلمان آگاه که
میان اسلام و حقوق پایه ای بشر
تعارضی نمی بیند»، یافت. کمیته
حقوق بشر یک انتخاب سیاسی

ایسکرا: نظرتان درباره اهدای جایزه
صلح نوبل به شیرین عبادی
چیست؟ اینکه گفته شده است که
تصمیم سیاسی کمیته صلح نوبل
مهمتر از انتخاب شخص شیرین
عبادی است، به چه معنی است؟
آذر ماجدی: اطلاعیه کمیته صلح
نوبل در رابطه با اهدای جایزه
نوبل به خانم شیرین عبادی بسیار
گویاست. این اطلاعیه بروشنی
دلیل انتخاب شیرین عبادی را
توضیح میدهد. اطلاعیه در ابتدا
اعلام میکند که این جایزه بخاطر
فعالیت های خانم عبادی در رابطه

جبهه کردستانی در میان تحریفات و توهنات

(فشرده سخنرانی در یک سمینار پالتاک- بخش اول)

رحمان حسین زاده

ناسیونالیستی هم هستند. به قول
فاتح شیخ اینها در باریکه سیاست
ناسیونالیسم کرد بسر میبرند. لذا
طرح و ابتکار آنها هم در همین
چارچوب تاثیر گذار و یا بازتاب
دارد و نمیتواند موضوع جدی باشد.
پروژه‌ای که مبتکران آن در حاشیه
سیاست ناسیونالیستی باشند، خود
نیز در همان حاشیه باقی میماند.
هدف این افراد و گروهها از طرح
این پروژه چیست؟

احتمالاً انگیزه و دلایل هر کدام
عینا مثل هم نباشد. اما یک
فصل مشترک در میان این طیف و
در پس پروژه‌ای که طرح کرده‌اند،
وجود دارد. آنهم همین واقعیتی که
اشاره کردم. اینها خود به خوبی
میدانند در حاشیه ناسیونالیسم کرد
هستند و این موقعیت آنها را رنج
میدهد، میخواهند راهی برای برون
رفت از این وضعیت پیداکنند. فکر
میکنند این پروژه میتواند راه برون
رفت این وضعیت باشد. بویژه این
مسئله در مورد صلاح‌الدین مهتدی
و برادر کوچکترش عبدالله و سازمان

سابقه موضوع:
بحث در مورد ایجاد "جبهه
کردستانی" چند ماهیست، شروع
شده است. ابتدا از یک نامه ساختگی
به امضای یک جمع دانشجو شروع
شد. تقریباً خیلی زود همه متوجه
شدند، که اقدامی ساختگی و جعل
است. بعداً گروهی به نام "اتحاد
انقلابیون کردستان"، سپس صلاح‌الدین
مهتدی و ناصر رزازی و مرزیه
فریقی سخنگویان غیر رسمی
"سازمان زحمتکشان" موضوع را
 مطرح کردند. و بعد از اینها سازمان
زحمتکشان و مسئولشان عبدالله
مهتدی به پیروی از صلاح مهتدی
و رزازی و فریقی، اعلام کرد که
آنها نیز طرفدار ایجاد "جبهه
کردستانی" هستند.
تا اینجای مسئله هنوز موضوع
قابل اعتنایی نبوده و نیست. افراد
و نیروهای طرح کننده و یا پیروی
کننده که در بالا اشاره کردم، نه
تنها افراد و گروههای حاشیه سیاست
به طور کلی در کردستان، بلکه در
حاشیه سیاست جنبش ملی و

ابعاد جدید بحران در عراق

عبدالله شریفی
abe_sharifi@yahoo.com

دامنه بحران در عراق روزانه عمیق
تر میشود. نیروهای آمریکا و هم
پیمانانش در باتلاق این بحران فرو
رفته اند. آمار تلفات نیروهای
آمریکا و متحدینش سیر صعودی
طی میکند. میزان درگیریها بالا
رفته است. انفجار و ترور امری
عادی شده است. شمار انفجارات،
حملات تروریستی، زدوخوردهای
نظامی، ابعاد ناامنی را به گوشه
و زوایای زندگی و کار مردم در
شهر و روستا گسترانیده است. در
جایی که محل محافظت شده
امامان و سران قوم و ژنرالهای
صادراتی خود کانون نا امنی و
ترور است، حرف از امنیت در
آلونکها و زاغه ها و محل کار
مردم جنگ زده و گرسنه عراق
مسخره است. بزن بکشهای
مسلحانه، حمله به خانه و کاشانه
مردم، آدم ربائی و تجاوز به زنان،
ویران کردن مدارس و بیمارستان،
عدم بهداشت و درمان، بیکاری و
گرسنگی محصول سیاست نظم
نوبنی است که دارد جامعه عراق
را به مرز تلاشی مدنی سوق
میدهد.

امروز از بصره تا فلوجه، از عماره
تا رمادیه، از کرکوک تا بعقوبه،
از موصل تا تکریت، از اربیل تا
حله به میدان جنگی ویرانگر مبدل
شده است. نیروهای آمریکا و
متحدین، جریانات اسلامی، جریانات
قومی، بقایای رژیم بعث، عاملان
این جنگ خانمانسوز هستند.

آمریکا از پیشبرد اوضاع ناتوان
است. شکاف بلوکهای سرمایه داری
با قطعنامه ها و مذاکرات آشکار
و پنهان پر نمیشود. بازی مذاکرات
وزرای اروپا، رفت و آمد های
سران آمریکا، تلاشهای "خانوادگی"
بوش و بلر هم کارساز نیست.
کنفرانسهای سران عرب، غرولند
شیوخ و عشوه های نگهبانان
چاههای نفت هم مسکنی بر قلب

صفحه ۲



**اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.
منصور حکمت**

ایسکرا
iraj_farzad@yahoo.com
سردبیر: ایرج فرزاد
فکس: 00448701687574
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال
۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز
۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران
به دیگران اطلاع بدهید
radio7520@yahoo.com
Tel: 0044 7714611099
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0046 8 659 0755
رادیو انترناسیونال روی اینترنت
www.radio-international.org

**جایزه صلح نوبل
و نوری دیگر
در تونل سیاه
اپوزیسیون پرو رژیم**
صفحه ۴

◀ ابعاد جدید بحران در عراق

جریحه دار ناسیونالیسم عرب نشده است. دور دیگر از اعتراضات مردم آمریکا، مشکلات داخلی جناحهای دولت بریتانیا، ناکامی در افغانستان، بیرهه "نقشه راه" در بحران فلسطین، معضل "آتمی" و فعالیتهای تروریستی ایران، بحران عراق را تشدید کرده است. معامله بر سر تقسیم سهم و تجدید آرایش جغرافیای سیاسی خاورمیانه قرار است با خون و فقر این منطقه حل و فصل شود. اکنون معلوم شد آمریکا نه تنها شکست سیاسی بزرگی خورد، بلکه دارد شکست نظامی قابل ملاحظه ای را تجربه میکند. میلیتاریسم "بر قدرت" جهان دیگر حتی مایه دل گرمی چلبی و طالبانی نیست. برتری توحش نظامی بوش و بلر دارد به نقطه ضعف تبدیل میشود.

در این میان و در میان فاکتورهایی که این اوضاع نابسامان را پیچیده تر میکند، لازم است به حضور و اعزام نیروهای ترکیه به عراق اشاره ای داشته باشیم. نیروهای دولت ترکیه بالاخره پس از قهر و آشتی های این دوره با آمریکا، در تدارک اعزام نیروی وسیعی به عراق هستند. تشدید بحران در عراق استراتژیستهای کاخ سفید و پنتاگون، طراحان سیا و وزارت خارجه را به پای تئوری دخالت دول اسلامی و "خودی" کشانده است. مردم آمریکا دارند از شوری سیاستهای بوش و شرکا کاسه صبرشان لبریز میشود همین امروز و فردا است که ۱۵ فوریه دیگری تکرار شود. مردم آمریکا و انگلیس دیگر نمیخواهند که جنازه پستی فرزندانشان را تحویل بگیرند. پس بهتر است سربازان ترکیه و پاکستان و هند را جایگزین کرد. این البته برای دولت آمریکا ممکن است که محسنات طلائی زیادی داشته باشد که در حوصله این نوشته نیست، اما بنا به نقشه آتی، نیروهای ترکیه، پاکستان و هند در کنار افزوده لهستان و تبدیل سرباز به دلاور ژاپن، قرار است نقش بازی کنند. از این راه بهتر میشود شکستها را به پای خط تند روهای جناح حاکم آمریکا نوشت. آسانتر میشود خانم رایس مشاور امنیتی بوش را که راسا مسول سازمان جدید التاسیس "تثبیت عراق" است، بر سر برمر و خیمه شب بازی شورای حکومت موقت نازل کرد.

اعزام نیروی نظامی ترکیه با پرداخت

اسلامی بیزارند و اعلام کردند که از نظر آنها قوانین اسلام با حقوق انسان و حقوق زنان کاملا در تناقض است. بنظر من این بار سر اپوزیسیون پرو رژیم از همیشه زودتر به سنگ خواهد خورد.

ایسکرا: خطاب به زنان ایران، به کارگران ایران و مردم ایران و به فعالین جنبش زنان و حقوق کودکان چه پیامی دارید؟ به نظر این مساله را چگونه باید نگاه کنند و چه موضعی باید داشته باشند؟

آذر ماجدی: حرکت اعتراضی مردم همین امشب و به بهانه استقبال از خانم عبادی نشان داد که مردم فریب این حرکات را نخواهند خورد و از هر فرصتی و از هر روزنه ای برای ابراز بیزاری و نفرت خود از جمهوری اسلامی استفاده میکنند. مردم به چیزی بجز سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نخواهند داد. اعتراضات بیوقفه کارگران در ماههای اخیر، اعتراضات معلمین، خیزش مردم در ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر، شکستن قوانین اسلامی و آپارتاید جنسی توسط زنان و مبارزه دائم با زن ستیزی جمهوری اسلامی همگی بیانگر اینست که بحران عمیق جمهوری اسلامی با چنین مرهم هایی قابل علاج نیست. مردم رای خود را داده اند. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. در این میان تنها نیروی اپوزیسیون که همیشه در کنار خواست مردم ایستاده است، همیشه نه مردم را نمایندگی کرده است، همواره پرچم خواست و آرمان مردم را بلند کرده است و برافراشته نگاه داشته است، حزب کمونیست کارگری است.

حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر نشان داد که به هیچ جریانی اجازه نخواهد داد به چشمان مردم خاک بپاشد و مبارزه مردم را منحرف کند. نشان داد که هشیار در صحنه حضور دارد و ترفندهای رنگارنگ جریانات راست بومی و بین المللی را افشاء میکند. اینجاست که من به مردم میگویم که وقت انتخاب رسیده است. مردم میدانند که جمهوری اسلامی باید برود. مساله اینجاست که آن نیرویی که میخواهد و میتواند خواست های مردم را متحقق کند، میخواهد و میتواند یک دنیای بهتر را برای مردم به ارمغان بیاورد، میخواهد و میتواند آزادی و برابری را در جامعه برقرار سازد، انتخاب کنند. زمان این انتخاب فرا رسیده است. این نیرو حزب کمونیست کارگری ایران است.

◀ مصاحبه ایسکرا با آذر ماجدی ۰۰

پیش با آرزوی تغییر به جنبش دو خرداد امید بستند ولی خیلی سریع توهم شان نسبت به این جنبش ریخت و از آن عبور کردند، معنای این جملات را در عالم سیاست و دیپلماسی درک میکنند. هدف دیگری که از این اقدام دنبال میشود نجات اسلام و جنبش اسلام سیاسی از زیر حمله است. بخصوص از ۱۱ سپتامبر به بعد جنبش اسلام سیاسی زیر حملات تندی قرار داشته است. در این زمینه نیز جنبش کمونیسم کارگری نقشی مهم و تعیین کننده داشته است. تلاش دائمی و بیوقفه ما در افشای این جنبش ارتجاعی، در رابطه با نقض حقوق انسانی مردم و بویژه حقوق زنان در خاورمیانه افکار عمومی جهانی را در رابطه با این جنبش روشن کرده است. از جمله تئوری نسبیست فرهنگی که بمنظور توجیه بی حقوقی مردم و زنان در کشورهای اسلام زده مورد استفاده قرار میگرفت به یمن مبارزات پیگیر جنبش ما حاشیه ای شد. بنظر من اتحادیه اروپا با کمک کمیته جایزه نوبل دارد تلاش میکند که یک اسلام میانه رو را دوباره مطرح کند و مقبول و موجه جلوه دهد. تاکید کمیته صلح نوبل بر مسلمان بودن خانم عبادی، به تعلق ایشان به «جهان اسلام» و بر این مساله که ایشان تعارضی میان حقوق پایه ای بشر با اسلام نمی بیند در خدمت جا انداختن این مساله است.

بعلاوه اگر به فضایی که پس از انتخاب خانم عبادی در رسانه ها حاکم شده است توجه کنید می بینید که چگونه تلاش میشود این سیاست را بخورد مردم و افکار عمومی بدهند و چگونه از اسلام و عدم تناقض و تعارض آن با حقوق بشر و حقوق زنان تعریف و تمجید میشود.

ایسکرا: در حول و حوش این مساله گویی بار دیگر اپوزیسیون پرو رژیم، نور دیگری در انتهای تونل سیاه رژیم اسلامی رویت کرده است. صف بندیهای قدیم دوباره فعال شده اند، مضاف براینکه در این رابطه اپوزیسیون راست پرو غرب و شخصیتهایشان نیز بدنبال یک "بانوی مسلمان ایرانی" به کمپ راه "مسالمت آمیز" حقوق بشر پیوسته اند. این ادعاها و این مواضع را تا چه اندازه واقعی، منصفانه و یا ریاکارانه میدانید؟

دید و ثابا در رابطه با موقعیت اسلام و جنبش اسلامی. کمیته جایزه نوبل راسا این تصمیم را نگرفته است. این کمیته در رابطه با سیاست اتحادیه اروپا که بنظر من تلاش دارد با دمیدن نفسی در جنبش دو خرداد در حیطه، حیاتی تازه در جمهوری اسلامی غوطه در بحران و انزوای سیاسی بدمد، تصمیم گرفته است که جایزه صلح نوبل امسال را به شیرین عبادی بدهد. اگر دقت کنید افراد دیگری از جنبش دو خرداد از طریق ارگانهای مختلف حقوق بشری و هنری اروپا کاندید جوایزی هستند. این یک سیاست برنامه ریزی شده و هماهنگ است که مهمترین آن جایزه نوبل است، که تاکنون هم سر و صدای زیادی کرده است و کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی از ملی - اسلامی تا راست پرو غرب، بغیر از حزب کمونیست کارگری را با یکدیگر هم نظر کرده و در کنار هم آورده است.

شیرین عبادی از نقطه نظر این سیاست بهترین کاندید است، باین دلیل که بخش و مهره ای از دولت نبوده است ولی در عین حال با جنبش دو خرداد از نظر سیاسی نزدیک است، و همچنین بعنوان اصلاح طلبی که برای اصلاح قوانین بنفع زنان و کودکان فعالیت میکند، خوشنام است. اتحادیه اروپا تمام این فاکتورها را در نظر گرفته است. اهدای جایزه به فرضا آغاچاری بسیار بحث برانگیز میشد و با توجه به فعالیت های کمونیسم کارگری در افشای رژیم اسلامی، و بخصوص با توجه به سابقه کنفرانس برلین و فعالیت های بی وقفه ما در افشای مفاشات اتحادیه اروپا و دولتها و نهادهای غربی با جمهوری اسلامی سرعیا به عکس خود بدل میشد و به آنها اجازه نمیداد که اهدایشان را دنبال کنند.

اطلاعه رسما اعلام میکند که «در دهه های اخیر دموکراسی و حقوق بشر در بخشهایی از دنیا پیشرفت کرده است» و اظهار امیدواری میکند که با اهدای این جایزه «این پروسه را تسریع کند». لازم نیست که انسان یک سیاستمدار کار کشته باشد تا معنای این جملات را در عالم سیاست روز درک کند. مردم ایران که حمایت های بیدریغ و گرم دولتهای غربی از جنبش دو خرداد را در چند سال اخیر دیده اند، جوانانی که در ایران چند سال

جایزه صلح نوبل و نوری دیگر در تونل سیاه اپوزیسیون پرو رژیم

ایرج فرزاد

مانند ایران در "خطر" جدی ببینند، فوق العاده زیاد است. اروپا از طریق کمیته نوبل یک تصمیم سیاسی گرفت تا به اتکا کسی که سابقه تلاش برای حقوق کودک و دفاع از حقوق زنان را دارد، استدلال کند که "اسلام با حقوق بشر منافات ندارد". این تمام محتوای تصمیم کمیته نوبل و کنه فلسفه توضیح دهنده این تصمیم است. می‌خواهند گفته باشند که هنوز راه تاثیرگذاری بر جمهوری اسلامی و رام کردن آن و ادار کردنش به رعایت قواعد بازی در مناسبات دنیای کنونی کور نشده است، می‌خواهند رژیم یک ربع قرن جمهوری اسلامی، یک ربع قرن نسل کشی و سلطه قوانین اسلامی را بعنوان رژیم برخاسته از یک کشور مسلمان در معادلات خود جا دهند تا به

اتکا کسانی مثل شیرین عبادی و کل نیروهایی که پشت سر ایشان صف بستند، قلعه سنگر اصلی اسلام سیاسی را از "درون" با شیوه های "غیر خشونت آمیز" فتح کنند و در نتیجه مردم را به خانه هایشان بفرستند. می‌خواهند به زنان در ایران بگویند که خود را برای یک

"فاکتفا پدیده های سرسختی هستند و تمایلات و آرزوهای ما و فشار احساسات ما هرچه باشند، نمیتوانند وضعیت فاکتفا و اسناد و مدارک مربوط به آنها را تغییر دهند." (جان کوینسی آدامز)

به خانم شیرین عبادی جایزه صلح نوبل را بخشیدند. واضح است که یک جهت گیری سیاسی پشت تصمیم کمیته جایزه نوبل قرار دارد. این موضع سیاسی دقیقا به اوضاع ایران تحت حاکمیت اسلامی، عواقب سیاست "تغییر رژیم" آمریکا و انگلیس در عراق و معضل کشمکش بین اسلام سیاسی و رژیم آن در ایران با آمریکا از یک طرف و اروپا از سوی دیگر مربوط است. میدانند که تکرار سناریو عراق و سیاست عراقیزه کردن ایران، ساده نیست. میدانند بعد از اتفاقات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر بزیر کشیدن رژیم اسلامی توسط مبارزه مردم، کار دستشان میدهد و احتمال اینکه کنترل اوضاع را از دست بدهند و منافع سیاسی و اقتصادی خود را در یک کشور مهم و استراتژیک

دوره طولانی پروسه رام سازی اسلام سیاسی آماده کنند، عجله نکنند، علیه سنگسار و جدا سازی و آپارتاید جنسی و خفقان سیاه مقنعه و حجاب اسلامی، "خشونت" به خرج ندهند و بگذارند لشکر مبارزین صلح جوی مسلمان و دین مبین اسلام و قوانین عالیله قرآن، اندک اندک وضع را به حالتی شبیه به عربستان سعودی و پاکستان درآورند، به کارگرانی که حقوق خود را دریافت نکرده اند و خود و خانواده شان را گرسنگی داده اند بگویند باز گرسنه بمانید، باز فعلا و تا پایان این پروسه حقوق بشری اسلامی، کودک دلبند خود را در خیابانها دنبال کار و نان در آوردن بفرستید و دخترانتان و زنانتان را از خانه فراری دهید و با تن فروشی حداقل فشار فلاکت و گرسنگی را از روی خانواده بردارند.

اما در همان حال جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی، مثل همیشه نوری شد در انتهای تونل سیاه رژیم اسلامی که عده ای پیرند وسط ماجرا و انگار این جایزه را به دو خردادیها، اپوزیسیون پرو رژیم، طیف اکثریت توده ای و بقیه اهل این طایفه و سلسله محترم داده اند، معرکه بگیرند و فاکت و حقایق مربوط به نقش خود در کمک و حمایت از رژیم اسلام سیاسی را با آن "اصلاح" کنند و دکوراسیون و

مهیا میشود. ناسیونالیستهای کرد بار دیگر مجال اشاعه افکار پوسیده "ضد ترک" می یابند. منبع تغذیه برای آویزان شدن به مسئله کرد فراهم میشود. لاید تلاش خواهند کرد که بی آبرو شدن خود را در چشم جهان و مردم کردستان "ترمیم" کنند. معنای واقعی آن فراتر از این، دور دیگر از کشتار و سرکوب، دور دیگر از خانه خرابی مردم است. بی تردید احزاب ناسیونالیستی کرد فردا حاضر خواهند شد که به پایوس ژنرالهای دولت ترکیه بروند. با یک پیام برمر به مسابقه زودتر و بیشتر، آستان بوسی میت می افتند. نگرانی آنها این است که از این سفره رنگین که در یمن این توحش و تباهی یافته اند، چگونه حفاظت کنند. اختلافات دیرین بین پارتی و اتحادیه میهنی دوباره از سرگرفته میشوند. تلاش برای اینکه به مردم کردستان عراق اثبات کنند کدامیک سابقه همکاری و خوش خدمتی بیشتری به رژیم ترکیه را داشته اند، از هم اکنون شروع شده است. دولت ترکیه میاید و باری گران بر سلسله فلاکتهای مردم عراق

کرد و سران احزاب ملی عشیره ای کرد که خود در ائتلاف سرهم بندی شده شورای حکومت موقت تشریف دارند و ظاهرا وزیر و وزری بی خاصیت هم کم ندارند، از ناراضیان اصلی این سیاست هستند. اینها میگویند که آمدن ترکیه، ترکمنهای کرکوک و موصل را تقویت میکند. به مخاطرات درگیر شدن "مردم" کردستان با نیروهای ترکیه هشدار میدهند. مستقل از اینکه اینها چه تبلیغی را جار میزنند، اعزام نیروی نظامی ترکیه به عراق در امتداد سیاست میلناریستی آمریکا است، همان گونه حیات سیاسی و فلسفه وجودی "حاکمیت" این جریانات خود گوشه ای از همان سیاست بربریت نظامی است. معلوم است که در امتداد زد و بند اروپا و آمریکا، در راستای تهاجم به مردم عراق دارند هر روز اشکال جدیدی می آفرینند. بدیهی است که از نظر مردم متمدن جهان، از نظر آزادیخواهان و کمونیستها این حرکت هم مانند هر حرکت نظامی آمریکا در این پروسه محکوم است. با حضور ارتش ترکیه، ایزاری تازه جهت تشدید کینه و نفاق ملی و باد زدن ارتجاع قومی

◀ ابعاد جدید بحران در عراق

۸ میلیارد دلاری وام و رای پارلمان ترکیه، قطعی به نظر میرسد. سروصدای بی خود شورای حکومت دست نشانده را هم با چند کلمه برومر و مکالمه تلفنی پاول ساکت کردند. برمر به صراحت میگوید اعزام نیروی نظامی ترکیه به عراق حوزه دخالت اعضای این شورا نیست و اظهار نظر در این باره فقط به آمریکا مربوط است. مسعود بارزانی خطاب به روسای آمریکائی خود تهدید کرده است چنانچه نیروهای ترکیه وارد عراق شوند، از شورای حکومت استعفا میدهد و جناب "مام" جلال هم راهی تهران شد و با رفسنجانی دیدار داشت تا مثل همیشه از شکاف جدید و اعلام فاصله گرفتن خود از "برادران ترک"، برای لغت و لبسهای خود کاسه گدائی را جلو سران رژیم اسلامی بگیرد. اما بگذارید ببینیم که معنی زمینی سرازیر شدن ارتش ترکیه به عراق برای آینده عراق چه مفهومی دارد؟ ناسیونالیستهای

"شکوفائی" اکثریت فدائی همسو بود، به دفاع از رژیم اسلامی پرداختند! کل این سنگر گرفتن پشت کمیته نوبل و خانم شیرین عبادی، سرتا پا ریاکارانه و دورویی و سالوسی است. نمیتوان عبور از دوزخداد و پروژه اصلاح رژیم اسلامی را دوباره پس گرفت و زیر چتر کمیته جایزه نوبل به مواضع دفاع از رژیم اسلامی مجدداً به "خوشتن" بازگشت. این راه دیگر بسته شده است، ایدئولوگهای "داخل" دو خرداد این حکم را پذیرفتند و کنگره فوق العاده اکثریت این شکست را پذیرفت و مصوب کرد. رئیس و سید رهبر اینها، پریزیدنت خاتمی، در اظهارات کوتاه خود در رابطه با جایگاه جایزه نوبل به شیرین عبادی صریح و با شفافیت اسلامی آب سردی برسر رووی شوالیه های عبور "مسالمت آمیز" رژیم اسلامی به سوی مردم سالاری اسلامی ریخت. حرکات اعتراضی که حتی در جریان استقبال از شیرین عبادی انجام گرفت، و شعار مردم و جوانان علیه رژیم اسلامی و درگیریشان با انصار حزب الله در محوطه اطراف فرودگاه مهرآباد در شب گذشته، و دوست و هم پیاله سردار طلائی، فریبز رئیس دانا، اثبات کرد که ظرفیت این طایفه در توهم پراکنی "سوسیالیسم" برژنف با سیاست

می افزایش، وگرنه مناطق نفت خیز کرکوک و موصل، این اسطوره ناسیونالیسم کرد را چه با ترکیه و چه بی ترکیه به بازرانی و طالبانی، اعطا نمی کنند. مساله فدرالیسم قومی، چه با ترکیه و چه با کماندوهای دوره دیده بازار دمکراسی بوش و بلر همین دوزخ است که می بینیم. جنگ قومی، تفرقه و کینه بربریت و آدمکشی، شاید کمی با ثبات تر بشود. فرجام این کشمکش که کجا می انجامد، هنوز محتوم نیست. هنوز بحران قدرت در عراق معلق است. آمریکا با خشونت جواب بیکار و زن معترض آن جامعه را میدهد. هر گونه سکولاریسم و مدنیت را رد میکند. آزادی احزاب و تشکل را به آزادی گرد و خاک کردن تروریسم اسلامی و قومی ترجمه میکند. مردم هنوز میتوانند این بحران را به نفع خود حل کنند. هنوز امکان تشکل و سازمان دادن خود برای عبور از این مهلکه وجود دارد. حزب کمونیست کارگری عراق دارد به تلاش بیدریغ خود ادامه میدهد. مردم در پشت سیاست انسانی این حزب به نتیجه جدی و مثبت میرسند. مردم با

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نشست چهاردهم کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد.

در روزهای شنبه و یکشنبه نوزدهم و بیستم مهر ۱۳۸۲ - (۱۱ و ۱۲ اکتبر ۲۰۰۳) چهاردهمین نشست کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با حضور اکثریت اعضای کمیته کردستان و مهمانان برگزار شد. نشست با سرود انترناسیونال و یکدقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و کمونیسم و یاد عزیز منصور حکمت رسمیت یافت. سپس دستور جلسه نشست به ترتیب زیر به تصویب جلسه رسید.

- ۱- گزارش
- ۲- جمع‌بندی از حضور مظفر محمدی و همراهان در شهر سنندج
- ۳- اوضاع کنونی، موقعیت حزب در کردستان و محورهای آتی کار
- ۴- حزب در شهرها
- ۵- مالی
- ۶- انتخابات

حاضرین در نشست چهاردهم کمیته کردستان با طرح نظرات خود در همه دستور جلسات و مباحثات بالا فعالانه شرکت کردند. در مبحث جمع‌بندی از حضور علنی در شهر سنندج، جوانب مختلف این حرکت بزرگ و درسها و تجارب آن و اهمیت و جایگاه آن مورد بحث قرار گرفت و نشست تلاش مظفر محمدی و دیگر رفقای مستقیماً درگیر در این پروژه، سلام زبجی، ابراهیم باتمانی، فرهاد رضایی و مختار محمدی و دیگر واحدهای همراه را ارج گذاشت. جلسه چهاردهم کمیته کردستان همچنین از استقبال بی‌نظیر و همکاری مردم و جوانان شهر سنندج در جریان این حرکت به گرمی قدر دانی کرد.

جلسه به تفصیل در مورد اوضاع کنونی و موقعیت حزب در کردستان و محورهای آتی کار صحبت نموده و نتیجه‌گیری نمود. سخنرانی رحمان حسین زاده حول این موضوع در نشریه ایسکرا منتشر میشود. در دستور جلسه "حزب در شهرها" مسئول تشکیلات شهرها خالد حاج محمدی، تصویری از موقعیت اجتماعی و نیروی حزب در شهرها ارائه کرد و جلسه از روند گسترش حزب در شهرها و تحکیم موقعیت اجتماعی آن ارزیابی مثبتی داشت و بر طرحها و ابتکارات جدید برای تقویت وسیعتر این روند تاکید گذاشت.

در مبحث مالی خزاندهار کمیته کردستان (اسد نودینیان) ضمن ارائه گزارش مالی، بر اجرای پیگیرانهتر طرحهای مالی کمیته و بویژه تلاش بیشتر اعضای کمیته و شورای کادرها برای جمع‌آوری کمک مالی تاکید گذاشت. این جلسه در عین حال تلاشهای شبانه‌روزی و مهم اسد نودینیان در جهت خودکفایی و تامین نیازهای مالی کمیته کردستان را ارج گذاشت.

جلسه کمیته کردستان در دستور پایانی خود رحمان حسین زاده را به عنوان دبیر کمیته کردستان و اسد نودینیان به عنوان خزانده دار و هیئت اجرایی ۱۵ نفره متشکل از ۱- محمد آسنگران ۲- مجید حسینی ۳- خالد حاج محمدی ۴- رحمان حسین زاده ۵- عبدالله دارابی ۶- صالح سرداری ۷- فاتح شیخ ۸- هاله طاهری ۹- ایرج فرزاد ۱۰- محمد فتاحی ۱۱- محمد فضلی ۱۲- گلاویژ قادرنژاد ۱۳- حسین مرادیگی ۱۴- مظفر محمدی ۱۵- اسد نودینیان انتخاب کرد.

نشست چهاردهم با ارزیابی بسیار مثبت از یک دوره فعالیت پربار تشکیلات کردستان، و تاکید بر اجرای طرحها و پروژههای مهمی که در دستور گذاشته است، به پایان رسید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۳۸۲ (۱۵ اکتبر ۲۰۰۳)

آن پرداخته شود. اما موضع احزاب سیاسی دیگر و از جمله چراغ سبز اولیه حزب دمکرات کردستان و موضع بینابینی و مبهم و سردرگم کومله، موقعیت متفاوتی به این طرح میدهد و ضروری میسازد به آن پرداخته شود. من در بخش دوم به محتوای ارتجاعی و واقعی "جبهه کردستانی" و به موضع حزب کمونیست کارگری میپردازم. فعلاً موضع حزب دمکرات و کومله را در این رابطه بررسی میکنم.

موضع حزب دمکرات کردستان ایران

اینکه حزب دمکرات، حزبی ناسیونالیست است و از قدیم گاهها از ایجاد "جبهه در کردستان" صحبت کرده است، هنوز نشان نمیدهد، که تمایل جدی به پروژه حاشیهای کنونی از خود نشان داده باشد. دارد اوضاع را و این پروژه را سبک و سنگین میکند و به بیان دیگر هنوز مطمئن نیست، به چه اندازه منافع و مصلحت وی در این پروژه تامین میشود. به همین دلیل تاکنون با احتیاط رفتار کرده است. با تاخیر و محدود در مورد آن موضع گرفته است، فعلاً نه از "جبهه" بلکه از همکاری صحبت میکند. اما به تمامی هم این پروژه را رد نکرده است. و به نظرم در سوادی یک هدف شناخته شده وارد "کمیسسیون مشترک" بر سر این موضوع است. سازمان زحمتکشان شده است. رهبری حزب دمکرات به خوبی آگاه است، که "باند زحمتکشان" برای عکس گرفتن با حزب دمکرات و قالب کردن خود به نام "کومله" حاضر است هر شرط و شروطی را از حزب دمکرات بپذیرد. رهبری حزب دمکرات فکر میکند این فرصت پیش آمده تا خواستههای گذشته خود مبنی بر اینکه اعلام شود "حزب دمکرات انقلابی و در عین حال نیروی اول در جامعه کردستان" است، بنام کومله اعلام شود. (خواسته و آرزویی که کومله قدیم و رادیکال هیچوقت به آن تن نداد).

حزب دمکرات از طریق شرکت در کمیسسیون مشترک با "سازمان زحمتکشان" دنبال این هدف و گرفتن این امتیاز از جانب این جریان تحت نام "کومله" است. حزب دمکرات اگر طبق سیاست نان به نرخ روز خوردن و مصلحت روز به چنین کاری دست بزند، این بار هم اشتباه بزرگی را مرتکب شده است. به این دلیل که با گروهی وارد این معامله میشود که از نظر بخش وسیع توده مردم کردستان و نیروهای سیاسی چه بعنوان سازمان سیاسی و چه به عنوان کومله مشروعیت آنها زیر سؤال است. با گروهی وارد این معامله میشود که در حاشیه جنبش ناسیونالیستی و موقعیت و جایگاهی ندارد. و به این ترتیب وارد پروژه بی‌آینده کم

مطلبی تحت عنوان "موضع بیطرفانه"، مواضع ابراهیم علیزاده و نشریه پیشرو را به خوبی نقد کرده‌اند. در مورد محتوای این پروژه ساکتند، پیشنهاد دهندگان این طرح را به شیوه غیر سیاسی و دلخواهی به "دلسوز" و "غیردلسوز" که صراحتاً اسمی از آنها نمی‌برند، تقسیم میکنند. و نهایتاً این طرح را رد نکرده‌اند و منتظرند ببینند، چه موقعیتی پیدا میکند و طبق پراگماتیسم ناظر بر دیدگاه و سیاست رهبری کومله، احتیاط میکنند که نکند سروسامانی بگیرد و آنها را دخالت ندهند و به زعیشان بیرون ماندنشان از این دایره ناسیونالیستی برایشان سخت و نگران کننده است.؟! اینها میخواهند درک کنند، که موضع بینابینی و ناروشن و تایید آمیز آنها عیناً به شکل گرفتن پروژه ارتجاعی کمک میکند، که به دلایل زیر دود آن مستقیماً در چشمشان فرو میرود. از جمله

۱- اگر چنین جبههای شکل بگیرد و سازمان زحمتکشان تحت نام کومله خود را قالب کند، و بویژه با تایید خود کومله هم روبرو شود. به نظرم به دست خود تیشه به ریشه خود میزنند و زیر پایشان خالی میشود. آنوقت باید به این سؤال جواب دهند، پس ادعای ۳- ۴ سالهشان اول در جامعه کردستان کومله نیستند، چه شد؟

۲- شواهد پیداست چنین جبههای اگر تشکیل شود، مبنای پلانفرمش خودمختاری و یا فدرالی خواهد بود. در صورتی که کومله در اسناد رسمی آنها را رد کرده و تاکتیک دیگری دارد، در آنصورت با تاکتیک فعلی‌شان چکار خواهند کرد؟

۳- در نشریه پیشرو، به عنوان نیروی کمونیست و چپ در این مورد موضع گرفته‌اند، سؤال به سادگی اینست در این جبهه سراپا ناسیونالیستی چکارآند و با "چپ و کمونیسم‌شان" چکار خواهند کرد؟ به نظرم به این دلایل و دلایل دیگر میبایست قاطعانه این پروژه را رد کنند و محتوای ارتجاعی آن را دست نشان کنند.

در بخش بعدی به محتوای ارتجاعی "جبهه کردستانی" و موضع حزب کونیست کارگری در قبال آن میپردازم. □

جبهه کردستانی...

(ادامه از صفحه ۱)

عبدالله مهدی، اقدامی در جهت تاییدیه گرفتن از ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات و کسب مشروعیت به عنوان سازمان سیاسی در صفوف ناسیونالیسم کرد، کسب مشروعیت به نام کومله و اعلام آمادگی برای اینکه زیر دست حزب دمکرات آماده مذاکره با جمهوری اسلامی و دولت مرکزی و یا خود را منطبق کردن با سیاستهای آمریکا در منطقه هستند. کمتر کسی و یا جریانی حتی از صفوف ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات هست که این اپورتونیسم کاسبکارانه و حقیرانه برادران مهدی و سازمان مربوطشان را نداند و پروژه‌شان را با شک و گمان و تردید ننگرد. در نتیجه پروژه‌ای که تاکنون تحت عنوان "جبهه کردستانی" به راه افتاده علاوه بر اینکه ارتجاعی است، حرکتی غیر جدی و حاشیهای و بی پایه و بی آینده است.

این پروژه همچنانکه اشاره شد، طرح قابل اعتنائی نیست و در این سطح ضرورت چندانی هم ندارد به

عبدالله مهدی، اقدامی در جهت تاییدیه گرفتن از ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات و کسب مشروعیت به عنوان سازمان سیاسی در صفوف ناسیونالیسم کرد، کسب مشروعیت به نام کومله و اعلام آمادگی برای اینکه زیر دست حزب دمکرات آماده مذاکره با جمهوری اسلامی و دولت مرکزی و یا خود را منطبق کردن با سیاستهای آمریکا در منطقه هستند. کمتر کسی و یا جریانی حتی از صفوف ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات هست که این اپورتونیسم کاسبکارانه و حقیرانه برادران مهدی و سازمان مربوطشان را نداند و پروژه‌شان را با شک و گمان و تردید ننگرد. در نتیجه پروژه‌ای که تاکنون تحت عنوان "جبهه کردستانی" به راه افتاده علاوه بر اینکه ارتجاعی است، حرکتی غیر جدی و حاشیهای و بی پایه و بی آینده است.

در این "بازار سیاست" طرح جبهه کردستانی از جانب صلاح مهدی و به تاثیر از وی از جانب سازمان زحمتکشان و

نوری دیگر...

و خاک پاشیدن به چشم مردم به انتهایش نزدیک شده است و باز سرشکستگی و انزوا نصیبشان شد. سوسوی نور انتهای توتل خفقان سیاه رژیم اسلامی دیگر نمیتواند لنگر و نقطه امید یک صف شکست خورده باشد و لشکر بی جیره موجب اسلام سیاسی و مردم سالاری دین مبین اسلام را از هزیمت قطعی باز دارد.

طیف عزیز و گرمی اپوزیسیون پرو رژیم و محافل فوق العاده دانشمند تازه وارد به این کمپ!

فاکتهای مربوط به حمایت شما از جمهوری اسلامی و تالانشان برای اصلاح و بقای این رژیم نکبت را با درخود پیچیدن و لیچار گویی به کمونیسم کارگری و صف آزادیخواهی و برابری طبی نمیتوانید دستخوش تغییر و تفسیر کنید. فاکتها هستند، مکتوبند و کارنامه شما در حافظه مردم و صف آزادیخواهان زنده است.

اسلام سیاسی را مردم ایران بزرگ میکشند، لطفاً از نمذ سیاست دول اروپائی و تصمیم کمیته جایزه نوبل کلاه دیگری برای خود بسازید. □

در بخش بعدی به محتوای ارتجاعی "جبهه کردستانی" و موضع حزب کونیست کارگری در قبال آن میپردازم. □